

درباره "دنیای تصویر"

به عنوان یکی از مجلات برگزیده نظرخواهی بهترین مطبوعات سینمایی ما

چاپ شده در : مجله ۲۴

زمان انتشار : دی ماه ۱۳۸۹

مجله «۲۴» در پرونده ای درباره سیر انتشار مجلات سینمایی در تاریخ معاصر ما، نظرخواهی مفصلی هم درباره بهترین مجلات سینمایی انجام داد که مجله "دنیای تصویر" هم در فهرست نهایی جمع بندی آرا در سه نشریه برگزیده تاریخ قرار داشت و این یادداشت، به همین مناسبت درباره ویژگی های مختلف "دنیای تصویر" نوشته و چاپ شد.

*

*

بازگویی خاطرات شخصی ام از مجله «دنیای تصویر»، این که بار اول در حالی که دو سه سال بود کارم را شروع کرده بودم و فقط در ماهنامه فیلم می نوشتم، اسمش را از پرتو مهتدی شنیدم که آن زمان به اتفاق ایرج کریمی و مرحوم علیرضا شمیرانی مهم ترین همراهان علی معلم در تدارک مصالح و محتویات مجله بودند، این که چه طور کامبیز کاهه با دعوت از من برای نوشتن درباره وودی آلن از شماره ۲۵ پایم را به این مجله باز کرد، این که شماری از مهم ترین مطالبم و از جمله مجموعه منجر به کتاب و منتهی به تدریس «تحلیل بازیگری» را با عنوان «ارزش و ژرفای نگاه در بازیگری» به طور پیوسته برای همین مجله نوشتم، این که علی معلم و دوستی اش در زندگی شخصی ام به اندازه خود سینما همیشگی است و خواهد ماند، این که چه قدر از خودم بیزارم که مشغله ها باعث شده بعد از رفع توقیف یکساله مجله در سال هفدهم انتشارش کمتر برسم در آن بنویسم (و قول می دهم این نقیصه را رفع کنم)، همه می توانند دلپذیر و دوست داشتنی باشند. اما در یادداشتی که بناست اهمیت این مجله را در تاریخ نشر سینمایی ایران به اختصار شرح دهد، باید اینها را هم اضافه کنم که:

۱- ماجرای پرداختن به سینمای روز جهان در اوایل دهه هفتاد که انتشار دنیای تصویر شروع شد، یکی از همان پدیده های بی معیار و ناروشن فضای فرهنگی و هنری کشور بود که همچنان به شکل های دیگری

ادامه دارد. سه مجله فیلم و گزارش فیلم و دنیای تصویر به تدریج شروع کردند به درج مطالبی درباره فیلم های فرنگی که در داخل کشور فقط بر روی نوار وی اچ اس قابل رؤیت بود، اما خرید و فروش ویدئویی که بتواند این نوارها را پخش کند، ممنوع و قاچاق بود؛ در حالی که نوار خام وی اچ اس همه جا فروخته می شد! همان طور که امروز همه در نشریات «مجاز» درباره فیلم هایی می نویسیم که همچنان خرید و فروش شان «غیرمجاز» تلقی می شود! این سنگ بنا را بیش از هر نشریه دیگر، دنیای تصویر گذاشت و محکم کرد. از مراحل فیلمبرداری فیلم های مهم سینمای آمریکا و دنیا تا تحلیل های اریژینال فراموش نشدنی کامبیز گاهه بر جریان های قابل تشخیص سینمای روز، هر کاری برای تثبیت این جریان لازم بود، در این مجله صورت گرفت. تئوری بزرگی که امروز همه می شناسیم؛ تحت این عنوان که برخلاف ظواهر تبلیغاتی منفی، بیشتری جلوه معنویت در سینمای معاصر دنیا را می توان در سینمای آمریکا یافت، در میزگردهای مبسوطی با حضور خود معلم، مجید بسطامی، حسن حسینی، بهروز افخمی و البته امید روحانی، در همین مجله مطرح و بسط داده شد.

۲- نوع و شدت نگاه انتقادی این مجله نسبت به فعالیت ها و سیاستگذاری های معاونت سینمایی، بنیاد سینمایی فارابی، صدا و سیما و جریان های رسمی و غیررسمی دیگری که اغلب کسی جرأت نمی کند از آنها عیب جویی و کارشان را آسیب شناسی کند، با هیچ مجله دیگری در سال های بعد از انقلاب قابل قیاس نیست. کله شقی به عنوان ستودنی ترین خصلت علی معلم، در دوره های مختلف به خسرو دهقان و جواد طوسی و حسین معززی نیا و امیر حسین رسائل و رضا درستکار و سعید عقیقی و غلامعباس فاضلی و خود علی در یادداشت های سردبیر و در میزگردها و تحلیل های شفاهی که مکتوب می شد، گاه چنان بتازیم که حتی در مدعی ترین روزنامه های به اصطلاح اصلاح طلب هم شذنی نبود و نیست. از دل همین جسارت مستدل بود که دوره فاعلانه انجمن منتقدان با طرح جایزه مشهور «زرشک زرین» شکل گرفت و

ماندگار شد و امروز با نبود آن، می بینیم که چگونه شبه کم‌دی‌های سخیف لایق زرشک، دارند از سر و کول ما و در و دیوار سینماهایمان بالا می روند.

۳- تا پیش از مجله «۲۴» که با سرمایه بخش عمومی، می تواند رنگ و گاه عکس‌های بزرگ و زیبا را ضمیمه مطالبش کند، هیچ مجله سینمایی دیگر سال‌های بعد از انقلاب به اندازه دنیای تصویر، «دنیا»یی از «تصویر» در اختیار چشمان خوانندگان‌ش قرار نداده بود. قطع بزرگ مجله که همیشه می گویم معادلی از ابعاد سردبیر و صاحب امتیازش است (!)، در کنار هنر و تصویرشناسی حمید کریمی مدیر هنری وفادار مجله، این امکان را فراهم می آورد.

۴- بخش «تازه‌ها»ی مجله که همواره به کوشش بیژن اشتری فراهم می آید، بدون توجه به این که طبعاً بابت زود هنگام پرداختن به فیلم‌های روی پرده، گاه اشتباهاتی در اشاره به داستان یا شخصیت‌های فیلم دارد، رکورد پایدارترین و طولانی‌ترین دوره ثبات و تداوم یک بخش به دست یک نفر در یک مجله سینمایی در تاریخ مطبوعات ما را در اختیار دارد. این را نمی شود نادیده گرفت. به ویژه از این حیث که هنوز و همچنان، انبوهی از فیلم‌های پیگیر سینمای روز دنیا که برای یافتن فیلم عجله دارند و حتی حاضرند نسخه‌های پرده‌ای را هم زودتر از بقیه ببینند، فیلم‌ها را از روی داستان و شرحی که اشتری درباره‌شان می نویسد انتخاب می کنند.

۵- جشن سینمایی تلویزیونی این مجله که سال‌هاست تنها جشن اینچینی با داوری تحریریه یک مجله خصوصی و مستقل به شمار می رود و فضای برگزاری آن از هر جشنواره دولتی موجود و حتی از جشن صنفی خانه سینما «واقعی»تر است و آدم‌ها بیشتر با «خود»شان در آن حاضر می شوند و حرف می زنند و انتقاد می کنند و جایزه می گیرند و غیره، تنها با تکیه بر جایگاه و پایگاهی که خود مجله در فضای ادبیات

انتقادی مرتبط با سینمای ایران برای خود دست و پا کرده، قابل اجراست و از این رو، حیات و بقای این جشن و خود مجله، به روشنی به هم وابستگی دارند.

خب، بس است دیگر. جا و فضایی به فراخی صفحات بزرگ دنیای تصویر با آن فونت کوچک کورکننده اش در اختیار ندارم تا بتوانم تمام ویژگی های شاخص دیگرش را برشمارم. خاصیت این مجله این است که با همین یادداشت و با مرور خاطراتش، با اطمینان فایل دیگری را هم میان کارهایم بازگشایی خواهم کرد تا بار دیگر در یکی از مجلات محبوبم در تاریخ مطبوعات سینمایی مان قلم بزنم .